

یک قرار خونین

دیدار با زن سال خورده

قسمت آخر

ایلیا موسیایی زن گفت «عین باباش بود... حتما زن طفلک رو
ذله کرده بود». ناهید گفت «چه دلی داری شما!» زن گفت
«حتما بیعت حکمتی بوده که نه دیروز رسیدم نه امروز... او جلسه
خبر گفت بهمین اختلافی به پولی پوره که اداواشن کتن...
ناهد گفت «حقشه... حالا ققدر خواستن؟» زن گفت «حتمی
امروز می خواستن همین رو بهم بگن... مادر... من پولم کجا بود...
بعدشم اگر پولی داشتم، خره چه هاشون می کردم... پول
پیشتر خرج زنده ها وزندگی شده، نه خره گرفت جون... ناهید
بهرش رانند کرده بود به کوشی ووسی می کرد حرف های زن
را هم بشنود. گفت «مگه بچه هم داشتن؟» «ها که داشتن...
دوتا...» فریوشون برم... ناهید گفت «یعنی بچه ها دیدن چی
شده؟» زن گفت «نه نته... او اوار دل بود بودن... ناهید گفت
شده بر این خانم... من منتظر می مونم طرف بیاد... حتما
از ایناست که دیده خانم، گفته بیاد غیب برزنه... زن گفت نه...
مادر... کجا برم؟! همین جا می مونم... تنهات نمی دارم...
بعد گفت «خدا انصاف بده... انصاف از هر چیزی بهتره... آدم
که منصف باشه بد نمی شه... ناهید گفت «اه... اینم جواب
می ده...» «کی ننه؟ به کی داری زن می زنی؟» ناهید ناله
«به همین بارو...» می خوام بگم من برم... خسارتش هالی
شد، بهم رنگ برزنه... ولی جواب نمی ده... تو یی این آفتاب ما
رو نگه داشته که چی؟! یک موتوروی خلاف جهت با سرعت
آمد و جلو ماشین نگه داشت... یک مرد با دست متوسط و موهای
خونده که حواس آمد از صورت پر از جایی جوشش پرت
می کرد، اثر کت موتور پیاده شد. یک اسکاس گذاشت
دست موتوروی شروع کرد به واریسی سپر ماشین. گفت «اوه اوه...
خانم حواست کجا بوده؟... ببین چی کار کردی... ناهید گفت
«خسارتش چقدر پیاشه...» دم... بیخشد، حواس نمید پش
آمود... مرد هرچی پاشه... حادله سه چهار روز باید از کار
بیتم که ببرمش تعمیر... زن کنار دست ناهید شروع کرد
بود به ذکر گفتن. ناهید گفت «چهار روز؟!... برای تعویض
سپر چهار روز باید از کار بیفتی؟ نکنه دلی خانم، با جودت
گفتی یعنی بزم؟!... مرد ندیک تر آمد. گفت «مثلی اینکه به چیزی
بمده بدهکار شد... می خوام من خسارت ماشین رو بدم؟»
ناهد داد زد «لازم نکرده... تو کاسه گدایت رو بچسب...

هیچ کدام نمی دانستند

گزارش

هیچ کدام نمی دانستند اولین بار کسی و کجا با هم درگیر شده اند و دشمنان برای شکایت گذاشته است. در طول مدت، آن قدر با یکدیگر زندگی کرده اند که به گریه شده بودند و به داشتند، غافل از اینکه جوان با کوهی از می می لند، منجر به مشهد خواهد شد.

پنجشنبه گذشته بود که مستقر در بیمارستان ی مرگ مشکوک یک س ویژه قتل دادرسی ناحیه ۲ مشهد اعلام

نشانی‌های به‌جامانده بر پیکر مقتول، آثار یک جنایت، هویدا و تیم جنایی با یک معمای تازه روبه‌رو بود.

پس از معاینات اولیه و تحقیقات بعدی، هویت مقتول مشخص شد. او جوانی سی‌وسه‌ساله بود که به ضرب چاقوی فردی ناشناس کشته شده بود.

تیم جنایی در بررسی‌های بعدی متوجه شدند که این فرد در شهرک نوید، جایی چند کیلومتر دورتر از بیمارستان، در خون خود غلتیده است، لذا دامنه تحقیقات میدانی به محل جنایت کشیده شد، جایی که اثر خون روی آسفالت خیابان،

هنوز تازه بود. با حضور مأموران در محل جنایت، تحقیقات از شاهدان محلی برای مشخص شدن تعداد افراد دخیل در این پرونده آغاز شد.

● یک جوان دیگر چاقو کشید

افرادى كه صدای بگیر و بند یک نزاع خیابانى در توس ۳۳ آن‌ها را از خانه‌هایشان بیرون کشیده بود، اولین شاهدانی بودند که برای کمک به تیم جنایی، آنچه دیده بودند، روایت کردند. براساس اظهارات شاهدان، مشخص

شد که این دو نفر تنها بوده‌اند و از محلی دیگر، خود را به این نقطه رسانده‌اند. صدای فریادها و ناسزاهای آن‌ها، آرامش را از محله سلب کرده بود. این درگیری تا آنجا پیش رفته بود که ناگهان یکی از این افراد، چاقویی بیرون کشیده بود. برق چاقو در آن

ساعت از شب، توان جلوگیری سایل
 شهروندان را گرفته بود.
 دقایق به کندی پیش می رفت و دعوا
 هر لحظه شدیدتر می شد تا اینکه
 صدای فریاد «سختوسخت، یکی ا
 طفلان نزاع بلند شد و او درحالی
 مژمن مارگزیده دور خودش می پیچید
 نقش زمین شد. در این میان، ضارب
 که از صدای جواں چاقوخورده اگان
 شوکه شده بود، با سوءاستفاده ا
 تاریکی شب گریخت. شهروندان نیز
 با فاصله با ۱۵ تا ۱۶ ماس گرفتند
 و پیکر نیمه جان او چاقوخورده و
 به بیمارستان رساندند.

با مشخص شدن حوزت مقتول، خانواده او در بیمارستان حاضر شدند و در برابر افسر قضایی فردی را به عنوان مشکوک به دست داشتن در این جنایت، معرفی کردند که مقتول دارای خصوصیات شخصی قدیمی بود. تاجایی که از سال ها قبل به دلایل مختلف مرتباً با یکدیگر درگیر بودند و با هر کارشان به پاسگاه و دستگاه قضایی کشیده بود. بر اساسی اظهارات خانواده مقتول و استعلامات انجام گرفته مشخص شد که تمام اظهارات این خانواده صحیح دارد و تحقیقات بعدی با توجه به سرخ شدن جداره در صحنه جنایت، نشان داد که فرد داشته منتهی

اصلی پرونده است.

بر اساس آنچه مقام قضایی به آن دست یافت، قاتل و معقول با سابقه درگیری قدیمی با یکدیگر، قراری خونین را تنظیم می‌کنند و ساعت ۲۰:۳۰ شامگاه جمعه به محل جنایت آمده، پس از دو درگیری و ضدوخورد، یکی از آن‌ها با چاقوی خشم به دیار باقی می‌شابد.

قاضی صادق صفری با صدور دستورات تخصصی، گروهی از کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی را مأمور کرد که مخفیگاه متهم به قتل را شناسایی و این فرد را دستگیر کنند.

رمزگشایی از ۲۴ فقره سرقت در جنوب شهر

شهرآرا با هوشیاری مأموران کلانتری نجفی از ۲۴ قمره سرعت در محدوده جنوب شهر مشهد، رمزگشایی شد. پلیس با ردزنی و دستگیری موتورسواری که از قسمت مشاعات یک مجتمع ساختمانی در محدوده خیابان کوثر، به سرعت یک موتورسیکلت طرح هوندا اقدام کرده بودند، به دیگر سرعت‌های این افراد پی برد.

یکی از تیم‌های گشت کلانتری نجفی به دو سرزنشین جوان این موتورسیکلت که با مشاهده خودرو پلیس تغییر مسیر داده بودند، متظنون شدند.

شهرآرا با هوشیاری مأموران کلاتری نجفی از ۲۴ فقره سرقت در محدوده جنوب شهر مشهد، رمزگشایی شده و پلیس با ردزنی و دستگیری موتورسواری که از قسمت مشاعات یک مجتمع ساختمانی در محدوده خیابان کوثر، به سرقت یک موتورسیکلت طرح هوندا اقدام کرده بودند، به دیگر سرقت‌های این افراد پی برد.

قلب جوان اهل فردوس در بدن مرد سرخسی پیید

خبر دندان‌سازا روزهای پایانی هفته گذشته ۹ بیمار نیازمند به اهدای عضو در بیمارستان منتصریه مشهد جان دوباره یافتند و به زندگی برگشتند. مسئول واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی مشهد گفت: در هزار و سیصد و سی‌امین عمل پیوند عضو، کبد گل اندام امیری محمدآبادی شصت و سه ساله از تربت جام به یک زن شصت ساله پیوند داده شد و قرینه‌هایش نیز برای پیوند کبد به یک زن هشتاد و یک ساله از مشهد کاشف‌العلوی پزشکی مشهد ارسال شد. دکتر ابراهیم خالقی افزود: یک‌پیکری جان

خبر

دندان‌سازا روزهای پایانی هفته گذشته، ۹ بیمار نیازمند به اهدای عضو در بیمارستان منتصریه مشهد جان دوباره یافتند و به زندگی برگشتند. مسئول واحد فرام‌آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی مشهد گفت: در هزار و صد و سی و امین عمل پیوند عضو، کبید گل اندام امیری محمدآبادی شخصت سه‌ساله از تربت جام به یک زن شصت‌ساله اسکن بایرجند اهدا شد و قرینه‌هایش نیز برای پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد ارسال شد. دکتر ابراهیم خالقی افزود: یک‌برگی به جان

عکس خبر

پشت بام سوزی
در خیابان بیست و پنجم

شهر آرا مأموران آتش‌نشانی ایستگاه‌های ۲۸ و ۵۱ مشهد در حالی به خیابان مطهری شمالی ۲۵ اعزام شدند که پشت‌بام یک خانه مسکونی دچار حریق شده بود. این حادثه که در شامگاه پنجشنبه رخ داد، موجب آتش گرفتن لوازم اشتعال‌زای زیادی در پشت‌بام این خانه مسکونی شده بود. مأموران آتفاقی حریق به محض رسیدن به محل حادثه، در عملیاتی چندساعته زبانه‌های آتش را به‌طور کامل مهار کردند. حادثه، خسارت جانی در پی نداشت.

ناهیید داد زد. وزن داشت پای پیاده برمی گشت پیش نوه هایش.

پایان

با اسکن کد روبهرو قسمت اول داستان را بخوانید



روی خط

مرگ تلخ پیرزن در آتش ۱۰ متری

وبطولاً- آتش به اندازه‌ای شدید بود که آتش نشانان به سختی خود را به کانون حریق رساندند. محل آتش سوزی یک ساختمان دو طبقه در بولوار توس بود که به دلایلی نامعروف دستخوش آتش گسترده شده بود. معاون عملیات آتش نشانی شهر مشهد درباره جزئیات این حادثه گفت: با آگاهی از وقوع آتش سوزی در یک ساختمان مسکونی در بولوار توس، آتش نشانان و گروه‌های امداد ونجات چهار ایستگاه به محل حادثه در خیابان شقایق اعزام شدند. محمدرضا یی‌افزود: با حضور آتش نشانان و ناظران در محل، مشخص شد که آتش همه این ساختمان دو طبقه را دربر گرفته است. شعله‌های آتش تا ارتفاع ۱۰ متری زبانه می کشید که به لافاصله آتش نشانان و ناظران به صورت هم زمان ضمن انجام عملیات اطفا حریق، یک خانم مسن را از طبقه اول این منزل خارج کردند که در بررسی‌های باطنی تشخیص می‌آورد آن‌س قوت این خانم که سال به علت خستگی تایید شد و او نیز کرد: در این آتش سوزی یک خودرو پرایدوات پارک شده در پارکینگ این منزل نیز خسارت دید و با توجه به اینکه طبقه همکف این منزل از انواع سبیلدر، گاز مایع و کاسه‌ون همکف آن در حال تحقیق در علت اصلی این حادثه و مرگبار هستند.

[illegible]